



حریق مسجد جامع اصفهان

در عصر سلجوقی*

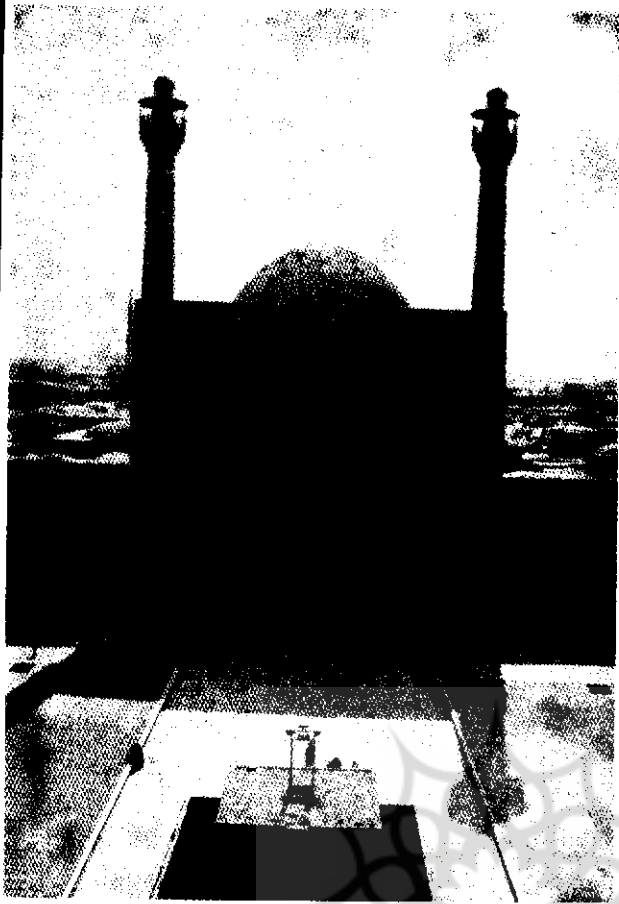
محمد حسین ریاحی

اصفهان از دیالمه به سلاجقه منتقل گردید و باگشوده شدن این شهر توسط اولین سلطان سلجوقی یعنی طغرل بیک، اصفهان نیز جزء متصرفات سلجوقیان گردید. ناصر خسرو قبادیانی (ف: ۴۸۱ هـ.ق) شاعر و ادیب مشهور ایرانی در بازگشت از مصر و حجاز، در مسیر خراسان در سال ۴۴۴ هـ.ق از اصفهان گذشته و این شهر را این گونه توصیف نموده است: شهری است بر هامون نهاده، آب و هوای خوش دارد و هر جا که ده گز چاه فرو برند آبی سرد و خوش بیرون آید و شهر دیواری بلند دارد و دروازه‌ها و جنگ‌گاهها بر آن دیوار ساخته‌اند و بر همه جای باروی شهر کنگره بنا شده است. در شهر جویهای آب روان است و بناهای نیکو و مرتفعی مانند مسجد آدینه بزرگ و نیکو ساخته شده است.^۲ ناصر خسرو در ادامه این اوصاف از شخصی به نام خواجه عمید نام می‌برد که از عوامل و گماشتگان طغرل سلجوقی بر اصفهان بوده؛ قبادیانی وی را اهل فضل و کرم دانسته و نیز آورده: من در همه زمین پارسی‌گویان شهری نیکوتر، جامع‌تر و آبادان‌تر از اصفهان ندیدم^۳ لکن دیدار ناصر خسرو از اصفهان، پیش از آن هنگامی است که این شهر به‌عنوان مرکز دولت مقتدر و قلمرو وسیع سلاجقه انتخاب شود. اصفهان در دوران حکومت سه پادشاه سلجوقی- طغرل، آلب ارسلان و ملکشاه- یعنی از سال ۴۲۹ تا ۴۸۵ هـ.ق که سی سال آخر آن همزمان با وزارت خواجه نظام‌الملک طوسی بوده است، همگام با توسعه روزافزون قلمرو سلجوقی، گسترش یافت و بر رونق و شکوه آن افزوده شده است. اموال و غنایم بی‌شماری از کناره

اصفهان عهد سلجوقی شاهد فراز و نشیبهای بسیاری بوده است. در عهد مقتدرترین سلطان سلجوقی- جلال‌الدین ملکشاه (۴۶۵-۴۸۵ هـ.ق)- اصفهان شکوه و عظمت یافت لکن مشکلات و مسایلی بوجود آمده بود که پس از مرگ آن پادشاه، گریبان شهر را گرفته و صدمات و ویرانیهایی را باعث گردید، از جمله آنها می‌توان از آتش سوزی مسجد جامع اصفهان و کتابخانه نفیس و ارزشمند آن یاد کرد.

اصفهان پیش از آنکه به تصرف ترکان سلجوقی درآید، در قرن چهارم هجری مرکز حکومت امرای آل‌زیار و آل‌بویه بود و سالیانی چند از پرتو وجود وزرای دانشمند و ادب‌پروری چون صاحب‌بن عباد (ف: ۳۸۵ هـ.ق) و ابوعلی سینا (ف: ۴۲۸ هـ.ق) مجمع فضلاء، ادبا و دانشمندان بزرگ اسلامی گردید. وجود امرای شیعی مذهب آل‌بویه و امرای سنی مذهب سلجوقی و وزرای ایشان در اصفهان، این شهر را به‌صورت یکی از مراکز مهم تبادل افکار و عقاید فرق گوناگون و پایگاه علوم و معارف اسلامی درآورد. به‌طوری که دانش‌پژوهان از اقصی نقاط ممالک اسلامی به این شهر روی می‌نمودند و از محضر فقها و محدثان و علمای برجسته اصفهان کسب دانش و معرفت می‌کردند.^۱

اهتمام امیران دیلمی حاکم بر اصفهان بخصوص علاءالدوله (۳۹۸-۴۳۳ هـ.ق) باعث شد که بسیاری از دانشمندان در این شهر مجتمع شده و اصفهان را به کانون دانش و معنویت تبدیل کنند. در محرم سال ۴۴۳ هـ.ق پس از مدتی محاصره، شهر پررونق



جیحون تا انطاکیه به سوی این شهر سرازیر شد و ابنیه و آثار متعددی که به وسیله سلاطین سلجوقی و خواجه نظام الملک طوسی و دیگر امیران و اعیان این دولت در اصفهان احداث گردید، این شهر را به صورت یکی از بلاد آباد و با عظمت آن روزگار درآورده است.^۴

چنانکه اشاره کردیم ملکشاه را می توان از حیث شوکت و اقتدار، قدرتمندترین پادشاه سلجوقی به حساب آورد چرا که در زمان او قلمرو ایران، از حد چین تا دریای مدیترانه و از شمال دریاچه خوارزم و دشت فیچاق تا ماورای یمن بود و به نام ملکشاه در این بلاد خطبه می خوانده اند و امپراطوری روم شرقی و امرای عیسوی گرجستان و ابنخاز به او جزیه و خراج می داده اند. اصفهان در عهد ملکشاه سلجوقی، مهمترین بلاد دنیا و یکی از آبادترین آنها بوده است. و این پادشاه و وزیران و عمال و اعیان دیگر سلجوقی در این شهر ابنیه بسیار ساخته بودند که هنوز برخی از آنها پابرجاست. احداث چهارباغ ملکشاهی به نام باغ کاران، بیت الماء، باغ احمد سیاه و باغ دشت گور از امتیازات شهر اصفهان در آن زمان بوده است.^۵

نهادهای آموزشی عصر سلجوقی است که برخی آن را اولین مدارس منظم و یا باصلاح دانشگاههای سازمان یافته دنیای اسلام قلمداد کرده اند. اصفهان هم به عنوان مرکز دولت سلجوقی، شعبه ای مهم از این نظامیه را در خود جای داده بود. برای شناخت نظامیه اصفهان می توان از کتاب گرانسنگ مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن سود جست.^۸

خواجه نظام الملک، ریاست نظامیه اصفهان را به خاندان خجندی از رؤسای شافعیه اصفهان اختصاص داد.^۹ نظامیه این شهر از حیث مالی نیز دارای پشتوانه قابل توجهی بوده است. به طوری که هر سال مبلغ ده هزار دینار محصولات، مستغلات و موقوفات آن بوده است.^{۱۰} مدرسه نظامیه اصفهان تا قرن هشتم هجری پای بر جا بوده است.^{۱۱}

از جمله اقدامات مهم علمی در عهد ملکشاه، ایجاد رصدخانه اصفهان و تنظیم تقویم جلالی در آن بوده است. در این مورد آورده اند: ملکشاه از خیام نیشابوری (ف: ۵۳۰ هـ) خواست با بزرگان منجمان در اصفهان زیج جلالی را ترتیب دهند و همچنین

با توجه به تتبعات محققان معماری اسلامی، مسجد جامع اصفهان که در قرن اول هجری و به سبک موسوم به عربی بنا شده بود در دوره سلاجقه دچار دگرگونی اساسی شده و به صورت مسجدی چهار ایوانه درآمده است.^۶

مهمترین آثار بر جای مانده عهد ملکشاه در اصفهان، یکی گنبد خواجه نظام الملک در جنوب مسجد جامع اصفهان است که بر کتیبه آن، نام پادشاه و خلیفه وقت و نیز خواجه نظام الملک حک شده است و ظاهراً در سال ۴۷۳ هـ ق به پایان رسیده است. دیگری گنبد تاج الملک در شمال مسجد جامع از آثار آخرین وزیر ملکشاه ابوالغنائیم تاج الملک مورخ به سال ۴۸۱ هـ ق، که معماری آن از نظر باستان شناسان دنیا اعجاب انگیز است.^۷ این آثار، از جلوه های برجسته هنر سلجوقی محسوب می شود و هنوز نیز با گذشت نزدیک به هزار سال عظمت خاصی به این جامع بخشیده است.

از ویژگیهای علمی آن دوره می توان به برخی موارد مانند تأسیس مدارس نظامیه اشاره کرد که این امر نیز توسط خواجه پی ریزی و به نام همو تمام شده است. مدارس نظامیه شاخص ترین



عمر خیام یکی از رساله‌های معروف خود یعنی «شرح ما اشکل من مصادرات اقلیدس» را در اصفهان نوشته است.^{۱۲}

پس از مرگ ملکشاه (۴۸۵ هـ ق) در بغداد، جسد وی به اصفهان منتقل شد و در قسمتی از محله قدیمی کران (که گویا بعدها به دارالبطیخ معروف شده و اکنون نیز در خیابان احمدآباد واقع است) مدفون گردید. بجز او عده‌ای از بزرگان دولت سلجوقی در این مقبره مدفونند و بنا بر مشهور قبر خواجه نظام‌الملک طوسی نیز در این محل است.^{۱۳}

با وجود این شکوفایی علمی و عمرانی، اختلافات داخلی و درگیری‌های بین جانشینان ملکشاه و تشنجاتی که بین صاعديان حنفی مذهب و خجندیان شافعی مذهب روی می‌داد- از یک سو برخورد دستگاه حاکمه با گروه‌های مانند اسماعیلیه یا به تعبیری صباخیه از سوی دیگر، اصفهان را دچار مشکلات بسیاری کرده موجب خسارت و ویرانی آن شد. برخی محققان چون استاد محمد محیط طباطبایی بسیاری از این اختلافات را متوجه روشها و تفکرات جلال‌الدین ملکشاه و وزیر نامی او می‌دانند، همو می‌نویسد: غرض ملکشاه، و خواجه نظام‌الملک که در چنین شرایطی به اصفهان آمدند و با پی‌افکندن مدرسه برای تربیت شافعی و حنفی و انتقال عده‌ای از فقهای ماوراءالنهر و نیشابور به این شهر، آرامش فکری شهر را بهم زدند و اصفهان را مدت دو

قرن، میدان کشمکش شافعیان و حنفیان به سردستگی خجندیان و صاعديان قرار دادند چه بسا اندیشه مستعد و قابلیت فکری را که در راه حمایت از فلان‌الدین خجندی و فلان‌الاسلام صاعدی در این شهر به خاک سیاه فرو نشانده است. خجندیان و صاعديان، اصفهان را جولانگاه غلامان سلجوقی ساخته بودند که سر انجام راه را برای ایلغار مغول و اشغال اصفهان توسط آنان فراهم آورده است.^{۱۴}

یکی از صدمات جبران ناپذیر و لطمه‌هایی که در این دوره بر اصفهان وارد شده و از آن می‌توان به‌عنوان رویدادی تلخ از تاریخ سلاجقه در اصفهان یاد کرد، آتش‌سوزی مسجدجامع این شهر و کتابخانه نفیس آن است. پس از قتل خواجه نظام‌الملک و مرگ ملکشاه در ۴۸۵ هـ ق دارالملک اصفهان مرکز فعالیت فرقه اسماعیلیه و خرابکاری‌های آنان گردید. فدائیان اسماعیلی که در اطراف شهر و در کوه‌های جنوب غربی و جنوب اصفهان مانند قلعه خان لنجان و نیز قلعه شاه‌دژ در خط‌الرأس کوه صفه، قلاع مستحکم ایجاد کرده، و در آن پناه گرفته بودند، وقت و بی‌وقت در شهر مخفی شده و به مردم تعدی می‌نمودند. به‌خصوص از قلعه شاه‌دژ که در این قلعه احمد بن عبدالملک عطاش (مقتول: ۵۰۰ هـ ق) رئیس اسماعیلیه با جماعتی موضع گرفته بود و بلایی برای اصفهان و روستاهای اطراف آن شده بود.^{۱۵} این گروه که در محلات اصفهان متفرق و در پابان کوه‌های بن‌بست خانه گرفته

● با توجه به تتبعات محققان معماری اسلامی، مسجدجامع اصفهان که در قرن اول هجری و به سبک موسوم به عربی بنا شده بود در دوره سلاجقه دچار دگرگونی اساسی شده است.





کتابهای او را حمل می‌کردند و با کتب او به صد و هفده هزار جلد یا بیشتر می‌رسیده است^{۲۳}، باید کتابخانه جامع اصفهان را میراثی گرانقدر و متعلق به زمانی پیش از سلاجقه دانست که در دوران محمد بن ملک‌شاه سلجوقی طعمه حریق گردیده است.

● اصفهان در عهد ملک‌شاه سلجوقی، مهمترین بلاد دنیا و یکی از آبادترین آنها بوده است. و این پادشاه و وزیران و عمال و اعیان دیگر سلجوقی در این شهر ابنیه بسیار ساخته بودند که هنوز برخی از آنها پابرجاست.

ما فروخی که در عصر سلجوقی می‌زیسته در کتاب محاسن اصفهان در باب اهمیت جامع این شهر و دارالکتاب آن آورده است: برای اقامه هر نماز کمتر از پنج هزار در آنجا گرد نمی‌آمد و در کنار هر جری مسند شیخی بود که گروهی از طالبان علم دور او را گرفته بودند و به تحصیل علم یا تهذیب نفس اشتغال داشته، آراستگی این بنا به واسطه مناظره فقها و مباحثه علما و مجادله متکلمین و پندهای واعظین است. در آنجا صوفیان و علما و کسانی دیده می‌شوند که بحال عبادت در مسجد اقامت گزیده و با تسبیح و دعا زندگی را می‌گذرانند.^{۲۴}

نویسنده محاسن اصفهان در ادامه پس از بیان موقعیت جامع اصفهان، کتابخانه آن را این گونه توصیف می‌کند: در آنجا کتابها را چیده و فنونی از دانش بدان جاویدان ساخته‌اند. فهرست آن مشتمل بر سه مجلد بزرگ است که مصنفات آن در اسرار تفاسیر و غرائب حدیث و مؤلفات در نحو و فقه و تصریف و ابنیه صرف می‌باشد. و نیز در آن از دیوانها و اشعار برگزیده و اخبار و گزیده‌ای از تاریخ پیغمبران و خلفا و کارنامه پادشاهان و امیران موجود است و مجموعه‌هایی از علوم اوایل از منطق، ریاضی، طبیعی، الهی و غیر از آن خبرهایی نیز که جوایز فضل و ممیز دانش و نادانی بدانها احتیاج پیدا می‌کنند، همه وجود دارد.^{۲۵}

مرحوم استاد محمد محیط طباطبایی ضمن اظهار اینکه در آن دوران علوم دینی، ادبی و فلسفی در اصفهان رونق بسیار داشته می‌نویسد: کتابخانه جامع شهر را ساخته و پرداخته بودند تا نیازمندیهای استادان و شاگردانی که پای هر ستونی از ستونهای

بودند احیاناً اگر کسی را تنها می‌دیدند او را گرفته، به خانه برده و به قتل می‌رسانیدند در این مورد می‌توان به آنچه که تحت عنوان حکایت علوی مدنی، در راحة الصدور آمده اشاره نمود.^{۱۶}

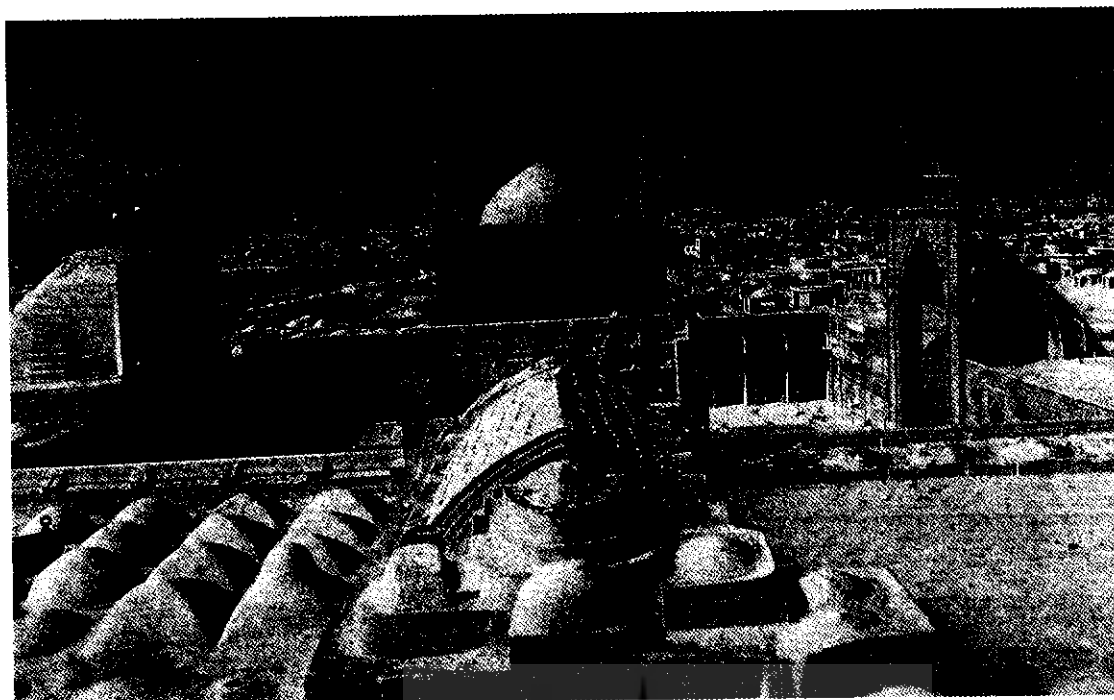
با توجه به این تحرکات از ناحیه فدائیان، عکس‌العمل حاکمان سلجوقی و عوامل آنان نیز علیه اسماعیلیه شدت یافت از جمله اینکه: محمد بن ملک‌شاه در سال ۵۰۰ هجری قمری قلعه شاه دژ را تسخیر و احمد بن عبدالملک عطاش رئیس این فرقه را دستگیر کرده، به وضع فجیعی به قتل رسانید.^{۱۷} این فشارها علیه اسماعیلیه به قدری شدت یافت که رهبر شافعیه اصفهان - ابوالقاسم مسعود بن محمد خجندی - دستور داد متهمان باطنی را در خرمنهایی از آتش سوزانیدند.^{۱۸} لکن اعمال این خشونت‌ها و سختگیریها نیز نتوانست آتش فتنه و آشوب این گروه انتقامجو را خاموش کند تا جایی که فدائیان اسماعیلی در ربیع‌الاول سال ۵۱۵ هـ ق مسجد جامع شهر را به آتش کشیدند.

ابن اثیر در باره ایجاد حریق شبانه توسط باطنیان در مسجد جامع اصفهان آن را بزرگترین جامعه و باشکوهترین آنها در دنیای اسلام قلمداد کرده است.^{۱۹} آنچه در آتش سوزی سال ۵۱۵ هـ ق در مسجد جامع طعمه حریق گردیده، توابع مسجد یعنی مضافها، مخزنها و کتابخانه بوده است.^{۲۰}

کتابخانه مسجد که در عصر سلجوقی مهمترین دارالکتاب شهر محسوب می‌شد، در عهد فخرالدوله از امرای آل بویه (ف: ۳۸۷ هـ ق) و به همت ابوالعباس ضبی^{***} (ف: ۳۹۸ هـ ق) ایجاد شده و مکان آن در سمت شمال مسجد و احتمالاً جنب یکی از درهای ورودی آن بوده است. غنای این کتابخانه تا حدی بوده که نسخه‌های مورد احتیاج همه اهل علم در زمینه‌های دینی، ادبی، حکمت، فلسفه و سایر دانشها را تأمین می‌کرده است.^{۲۱}

به نوشته مرحوم استاد جلال‌الدین همایی، صاحب‌بن عباد در دو شهر اصفهان و ری که از مراکز مهم فرهنگی و سیاسی آل بویه بوده است دو کتابخانه عظیم ایجاد کرد که بعداً قسمت عمده‌ای از کتابخانه اصفهان به کتابخانه مسجد جامع این شهر انتقال یافته است.^{۲۲}

با توجه به حکایت‌هایی که در باره عظمت کتابخانه صاحب‌بن عباد نقل شده است و از آن جمله اینکه دهها شتر



فهرست منابع و مآخذ

- ۱- آثار ایران، آندره گدار، بیدا گدار، ماکسیم سیرو، جلد چهارم، ابوالحسن سرو قدم، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸ ش.
- ۲- آشنایی با شهر تاریخی اصفهان، لطف‌الله هنرفر، اصفهان، انتشارات گلها، چاپ دوم، ۱۳۷۲ ش.
- ۳- آموزشها و نهادهای آموزشی اصفهان (تاریخ فرهنگ و آموزش اصفهان در عصر صفوی)، اثر نگارنده مقاله (محمدحسین ریاحی)، که در بخش دوم آن تحت عنوان نظری بر اوضاع علمی و آموزشی اصفهان از آغاز دوره اسلامی تا عصر صفوی به برخی مسائل علمی و فرهنگی عصر سلجوقی اشاره شده است و امید می‌رود این اثر با اضافات و الحاقات بیشتری طبع گردد.
- ۴- تاریخ اصفهان و ری، میرزا حسن خان جابری انصاری، تهران، ناشر عمادزاده، ۱۳۲۱ ش.
- ۵- تاریخ سلسله سلجوقی، (زبدة النصر و نخبة العصر)، ترجمه محمدحسین خلیلی، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۶ ش.
- ۶- تاریخ علوم اسلامی، تقریرات استاد جلال‌الدین همایی، تهران، نشر هما، چاپ اول، ۱۳۶۳ ش.
- ۷- جلوه‌های هنر در اصفهان، به کوشش جمعی از نویسندگان، (مقاله استاد محمدمحیط طباطبایی)، تهران، جانزاده، چاپ اول، ۱۳۶۶ ش.

متعدد آن مسجد حلقه درس و بحث داشتند را پاسخ بدهد.^{۲۶}

به‌هر حال در آتش‌سوزی سال ۵۱۵ هجری قمری نه تنها کتابخانه نفیس مسجد جامع یا دارالکتاب مهم شهر یکی نابود شد بلکه بنای اولیه مسجد جامع که به سبک عربی بود نیز از بین رفت. «منظره مسجد پس از حریق بدین صورت بوده است که هر یک از دو انتهای شمالی و جنوبی فضای وسیع و بنای گنبدداری برپا بوده است (گنبدهای نظام‌الملک و تاج‌الملک) و در ضلع شرقی و غربی جز آثار سوخته و ویرانه‌ای از خاک چیزی دیگری وجود نداشته است.»^{۲۷} بلافاصله پس از حریق سال ۵۱۵ هجری قمری تجدید ساختمان شروع شده و بجای ساختمانهای منهدم شده بناهایی مانند ایوانهای چهارگانه و نماهای اطراف صحن شبستانها و چهلستونها پایه‌گذاری شده و در طی چند قرن بعد از آن بتدریج تکمیل و تزیین شده و به این ترتیب نقشه مساجد به شکل چهارایوانه اساس ساختن مساجد در قرون بعد قرار گرفته است.^{۲۸} در جانب شمال شرق مسجد کتیبه‌ای کوفی با آجر برجسته وجود دارد که حکایت از این حریق است و این عبارت بر آن به چشم می‌آید:

«بسم الله الرحمن الرحيم و من اظلم ممن منع مساجد الله ان يذكر... اعادة هذه العمارة بعد الاحتراق فی شهر سنة عشرة و

خمسائة»^{۲۹}



بنیانگذار مدارس نظامیه و نظامیه‌های نیشابور، بغداد، اصفهان و نیز تأثیرات علمی و اجتماعی آن پرداخته‌اند.

- ۹- غزالی‌نامه/۱۳۲.
- ۱۰- محاسن اصفهان/۱۴۲
- ۱۱- مدارس نظامیه/۲۲۴
- ۱۲- ریاضیدانان دوره اسلامی/۳۲۶
- ۱۳- تاریخ اصفهان و ری/۱۰۹
- ۱۴- جلوه‌های هنر در اصفهان/۲۲۹
- ۱۵- تاریخ سلسله سلجوقی/۱۰۳
- ۱۶- راحة الصدور/۱۵۷
- ۱۷- مدارس نظامیه/۲۲۱
- ۱۸- غزالی‌نامه/۱۳۵
- ۱۹- الکامل فی التاريخ/۵۷۶/۶
- ۲۰- گنجینه آثار تاریخی اصفهان/۷۹
- ۲۱- جلوه‌های هنر در اصفهان/۲۲۸
- ۲۲- تاریخ علوم اسلامی/۴۶
- ۲۳- گزیده اغانی/۱۱/۱
- ۲۴- رک: ترجمه محاسن اصفهان/۶۲
- ۲۵- همان/۶۳
- ۲۶- جلوه‌های هنر در اصفهان/۲۲۸
- ۲۷- گنجینه آثار تاریخی اصفهان/۸۰
- ۲۸- آثار ایران/۴/۴۷ تا ۵۲
- ۲۹- همان/۵۲

* این موضوع برای اولین بار و بدون مقدماتی که در مقاله حاضر آمده در نشریه کیهان فرهنگی شماره ۱۲۳ سال دوازدهم مربوط به تاریخ مهر و آبان ۱۳۷۴ در صفحه ۶۳ تحت عنوان «نهصدمین سال آتش‌سوزی مسجد جامع اصفهان و کتابخانه نفیس آن» به چاپ رسیده است.

* ابوالعباس؛ احمدبن ابراهیم ضبی از دانشوران و سیاستمداران آل‌بویه است. وی اشعاری در مدح اهل بیت عصمت و طهارت (ع) سروده. مدتها قائم‌مقام صاحب‌بن عباد بوده، آنگاه به وزارت فخرالدوله دیلمی منصوب شده است وفات وی را به سال ۳۹۸هـ ق نوشته‌اند.

- ۸- راحة الصدور و آية السورور در تاريخ آل سلجوق، محمدبن علی بن سلیمان راوندی، به سعی و تصحیح محمد اقبال (تصحیحات: مجتبی مینوی)، تهران: امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۶۴ ش.
- ۹- زندگینامه ریاضیدانان دوره اسلامی، ابوالقاسم قربانی، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول، ۱۳۶۵ ش.
- ۱۰- سفرنامه ناصرخسرو قبادیانی، به کوشش نادر وزین‌پور، تهران، نشر کتابهای جیبی، چاپ پنجم، ۱۳۶۲ ش.
- ۱۱- غزالی‌نامه، جلال‌الدین همایی، نشر هما و فروغی، چاپ سوم، ۱۳۶۸ ش.
- ۱۲- الکامل فی التاريخ، ابن اثیر، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق/ ۱۹۷۹ م.
- ۱۳- گزیده الاغانی: ابوالفرج اصفهانی، محمدحسین مشایخ فریدنی، جلد اول، علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۶۸ ش.
- ۱۴- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، لطف‌الله هنرفر، اصفهان، ثقفی، چاپ دوم، ۱۳۵۰ ش.
- ۱۵- محاسن اصفهان، مفضل بن سعد مافروخی، ترجمه حسین بن محمد ابی‌الرضا آوی، باهتمام عباس اقبال، ضمیمه مجله یادگار، ۱۳۲۸ ش.
- ۱۶- مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن، دکتر نورالله کسای، تهران، امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۶۳ ش.

پی‌نوشت

- ۱- مدارس نظامیه/۲۱۹
- ۲- سفرنامه ناصرخسرو/۱۱۷
- ۳- همان
- ۴- مدارس نظامیه/۲۲۰
- ۵- آشنایی با اصفهان/۵۰
- ۶- آثار ایران/جلد ۴/۴۶
- ۷- آشنایی با اصفهان/۵۲
- ۸- کتاب ارزشمند مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن اثر استاد ارجمند آقای دکتر نورالله کسای است، مؤلف محترم در این تألیف به بررسی اوضاع سیاسی و اجتماعی و علمی دنیای اسلام همزمان با مدارس نظامیه، شخصیت خواجه نظام‌الملک به‌عنوان